

متن کامل بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره) - 28 اردیبهشت / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

طبق معمول برای بنده روز شیرین و خوبی بود که در جمع ناشران و در مجموعه کتابها، ساعتی را گذراندم. البته من به زحمت آقایان راضی نبودم؛ برای شما این کار مشکلی بود که به این جا بیایید و این بساط را بگسترانید. دوستان وزارت ارشاد پیشنهاد کردند و ما هم این محبت را پذیرفتیم. به هر حال از همه شما حضراتی که در این جا زحمت کشیدید و تشریف آوردید، متشکریم.

به نظر من، طبقه ناشر در هر بخشی از نشر و طبع، جزو مجموعه های ارزشمند جامعه محسوب می شود؛ چون تولیدکنندگان کتاب و ناشران آن، مهمترین وسیله انتقال فرهنگ را در اختیار مردمان می گذارند. در این جا نباید کسی بگوید که ناشران به دنبال کسب درآمدند. البته این حرف، حرف درستی است؛ ناشران دنبال کسب درآمدند. ای بسا گاهی مؤلف و مترجم هم همین فکر را می کنند؛ ولی این از ارزش کار آنها نمی کاهد. ممکن است یک پزشک هم که شما از او این قدر تشکر می کنید، برای کار پزشکی خودش درآمدی کسب کند؛ یا یک پرستار، یا هر فرد امدادگر و خدوم دیگری برای خودش درآمدی کسب کند. این که کسی در مقابل کاری، درآمدی کسب می کند، از ارزش ذاتی کار نمی کاهد. البته اگر کسی که این کار را انجام می دهد، نیت مخلصانه داشته باشد و این کار را برای اهداف عالی و الهی بکند، ارزش و مزد او مضاعف و چند برابر می شود.

عزیزان من! کار شما از جهات مختلفی سخت است؛ درست مثل کار همان پزشک که عرض کردم، این جا هم تطبیق می کند. اگر در تجویز و ارائه دارو، بی توجهی کنید و چیزی را در اختیار مشتری کتاب بگذارید که برای او زیانبار است، شما هم ضرر معنوی بزرگی کرده اید. در نهایت، به هیچ وجه شانه شما و شانه ما و وزارت ارشاد و معاونت ذی ربط هم از بار وزر آن نوشته ای که شما وقتی آن را می دهید، به زیان تمام می شود، فارغ نخواهد بود؛ این را شما بدانید. این نکته ای که ما بارها آن را تکرار می کنیم، ناشی از یک منطق و ناشی از یک استدلال قوی است. این طور نیست که به خاطر احساسات، یا به خاطر تصورات زودگذر، انسان از آنچه که در عالم نشر و طبع می آید و زیانبار است، شکوه کند؛ نه، چون ضرر آن به قدر اهمیت کار تألیف و نشر و انتقال فرهنگ، بزرگ است.

من در ذهن خودم، کار فرهنگی منفی را - یعنی آن چیزی که از نظر ما و با معیار ما بد است - به سه نوع تقسیم می کنم: یک نوع، آن نوشته یا کتابی است که یک منطق یا سخنی را ارائه می دهد که از نظر ما آن سخن غلط است. یک فکر است، یک پیشنهاد است، یک نظر است، در هر زمینه ای ممکن است؛ لیکن فقط آن صاحب نظر مخالف، در فکر این است که نظر مخالف خودش را مطرح کند و هیچ انگیزه ای دنبال آن نیست. طرح چنین فکر مخالف و غلطی - از نظر ما - در جامعه، مفید است؛ بودنش از نبودنش بهتر است؛ زیرا اگر اندیشه غلط طرح نشود، اندیشه درست نمی جوشد. این منطقی است و ما مایلیم آن چیزی که از نظر صاحبش البته درست است، اما از نظر ما غلط است، منتشر شود؛ در حوزه های مختلف هم منتشر شود؛ کمالین که مثلاً در عالم فقاقت، یا در عالم فلسفه - حالا آن بخش کار ما؛ یعنی فلسفه اسلامی - و بقیه مباحث علمی، کسانی چیزهایی را می نویسند که از نظر یک جمع دیگر غلط است. آنها هم جوابش را می نویسند؛ نتیجه این می شود که مطلب رشد پیدا می کند، پرورش پیدا می کند، ذهنها قوی می شود و سخن و علم پیش می رود.

نوع دوم کار که غلط است، این است که انگیزه آن صرفاً ارائه یک سخن علمی یا یک نظر فلسفی یا اجتماعی یا سیاسی نیست؛ بلکه جزئی از چارچوب یک طرح براندازی است. نشر این هم مضر است. دشمن وقتی که می خواهد با ابزار فرهنگی به کشور و جامعه و نظامی حمله کند، چیزهایی را هدف می گیرد، که به نظر من امروز در کشور ما چنین چیزهایی هست. هم در عالم کتاب هست، هم در عالم مطبوعات هست، هم در عالم هنر هست. البته وقتی ما می گوئیم که این فکر غلط، یا این طرح غلط، یا این سخن نادرست، در چارچوب یک طرح امنیتی و براندازی قرار

دارد، ممکن است صاحب آن اندیشه، مطلقاً نداند که چه کار می کند! این به معنای آن نیست که خود او هم در آن طرح براندازی یا خرابکاری شریک است؛ نه، گاهی اصلاً او هیچ سهمی ندارد، اما دشمن از او استفاده می کند. این جا یک انسان خیرخواه، به مجرد این که دید از سخن او، از حرف او و از کار او به عنوان جزئی از یک مجموعه خرابکاری در این کشور استفاده می شود، اگر خود او به این کار براندازی یا خرابکاری مایل نیست، فوراً عقب می کشد. قاعده اش این است؛ اگر عقب نکشید، پس او هم سهیم و شریک است. این، نوع دوم از اندیشه های غلط است.

نوع سوم، آن کار فرهنگی ای است که اثرش آنی است و قابل پاسخگویی نیست. مثل این که در جامعه ای بیایند عکسهای مستهجن جنسی را به شکل وسیعی در میان جوانان پخش کنند! شما چطور می خواهید این را جواب دهید؟! اصلاً قابل جواب دادن است؟! این اصلاً قابل جواب دادن نیست. وقتی که یک اثر هنری و یک نوشته و یک عکس، یک تأثیر ویرانگر اخلاقی دارد، این قابل پاسخگویی نیست. جلو این کار فرهنگی را باید گرفت؛ این آن ممیزی واجب است که در جنجال علیه ممیزی و سانسور نباید هدف را گم کرد. من وظیفه نظام می دانم، وظیفه وزارت ارشاد می دانم، وظیفه شما که ناشرید می دانم، که وقتی چنین چیزی مطرح می شود، شما اجازه ندهید و کمک نکنید. این هیچ ربطی ندارد به این که ما با فکر آزاد موافقیم یا مخالفیم. طبیعی است که ما با آزادیهای مخالفیم؛ مگر کسی شک دارد؟ ما با بعضی از آزادیها مخالفیم. ما با آزادیهای جنسی مخالفیم؛ ما با آزادی گناه مخالفیم و این کاری است که مردم را به این طرف سوق می دهد. همین الان در کتابهای ما هست؛ کتابهای منتشر شده الان وجود دارد. اگر خوف این نبود که با گفتن من، نام یک اثر غلطی تکرار شود، اسمش را می گفتم. کتابی که جوانان را به طور واضحی، با شیوه های هنری، به سمت گناه سوق می دهد! این یک مسأله فکری نیست که ما بگوییم حالا این کتاب منتشر شود، ما هم جوابش را منتشر کنیم؛ این جواب ندارد!

خطاست اگر کسی گمان کند، ما که نسبت به مسأله مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حساسیت به خرج می دهیم، با تفکر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اولین شعارهای این مسائل را داده ایم و الحمدلله تا الان هم دنبالش بوده ایم؛ اما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم. نمی شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می آید کتاب را از شما می خرد و می گوید اینها متدیترین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد.

عزیزان من! این را بدانید که امروز - البته نه این که مخصوص امروز هم باشد؛ از مدتها پیش - در این زمینه یک جریان و یک حرکت فرهنگی و سیاسی تندتر و پُرشتابتری از طرف مخالفان نظام جمهوری اسلامی - که در واقع مخالف اسلامند - وجود دارد که متوجه ذهنیت در جامعه ماست. هدف، ذهنها هستند. ذهن، به معنای آنچه که شامل فکر است، شامل اخلاق است، شامل خصوصیات روانی و روحی است - من مجموعه اینها را مورد نظر دارم - مورد هدف است. به خاطر این که می دانند نظام جمهوری اسلامی - که رمز استقامت و ایستادگی یک ملت در مقابل سلطه جهانی بود و بحمدالله هست - و این کشور و این دولت و این مجموعه انسانی و جغرافیایی، با هیچ روش توأم با زور، قابل شکست دادن نیست؛ حقیقتش هم همین است.

حالا می نویسند که آمریکا می خواست حمله کند، می خواست چنین بکند؛ البته ممکن است دولتی از روی قلدری، تصمیم اشتباهی هم بگیرد؛ اما محققاً هر گونه حمله نظامی و تحرک نظامی وابسته به دشمن، به ضرر دشمن و به سود جمهوری اسلامی تمام می شود. حالا که این احتمالات خوشبختانه کمتر است؛ اما آن وقتی هم که این احتمالات در ذهنها بیشتر بود، همان وقت هم ما می گفتیم که دشمن اگر عاقل باشد و بخواهد با خردمندی تصمیم بگیرد، چنین تصمیمی نخواهد گرفت. بنابراین، کار نظامی، کار زوری و کار متکی با فشار، روی این کشور اثری ندارد. آنچه که برای آنها مهم است، عبارت است از مردم. مردم هم - همان طور که مولوی می گوید و درست هم می گوید: «ای برادر تو همه اندیشه ای» - یعنی اندیشه مردم، یعنی ایمان مردم؛ آن چیزی که جسم مردم را به میدان می آورد و زبان و بازوی مردم را در خدمت حقیقتی قرار می دهد و متوجه حمله ها می کند. الان این کار انجام می گیرد. البته نظام اسلامی به فضل الهی ایستادگی کرده و می کند؛ ولی باید خیلی هوشیار بود. هم وزارت ارشاد باید

هوشیار باشد - بخصوص این بخشهای حسّاس - هم شما ناشران باید هوشیار باشید، هم بخشهای دیگر ذي ربط - در دولت، در مجلس، در قوه قضائیه - باید هوشیار باشند. نباید اجازه داد دشمن هر کار می خواهد بکند. اگر بخواهیم قدم به قدم تصویر کنیم، این گونه است: ذهنها را تحت تأثیر قرار دادن؛ سپس موانع نفوذ در ارکان نظام را از بین بردن؛ مثل شوراي نگهبان. الان می بینید که به شوراي نگهبان هم خیلی حمله می شود. این بحث «نظارت استصوابی» و این چیزهایی که باز هم رویش جنجال می کنند، از آن جنجالهای بسیار بی مبنا و بی ریشه ای است که هدفش تضعیف شوراي نگهبان و در واقع نفوذ دادن عناصر مخالف با اسلام و مخالف با امام و مخالف با نظام جمهوری اسلامی در ارکان قانونگذاری است. مانعشان شوراي نگهبان است. فکر می کنند همان بلایی که یک روز سر آن هیأت علمای طراز اول آوردند، به این وسیله می توانند بر سر شوراي نگهبان هم بیاورند، که البته نخواهند توانست و مطمئناً چنین چیزی تحقق پیدا نخواهد کرد. هدف این است؛ این قدم بعدی است. طراحان سیاسی و امنیتی و جنگ روانی دشمن، پیش خودشان چنین محاسبه می کنند که اگر این کار هم به نتیجه برسد، آن وقت قدم بعدی نفوذ در مجلس است و این به معنای نفوذ در دولت و نفوذ در ارکان نظام است. این گونه می خواهند وارد شوند.

پس قدم اول چیست؟ نفوذ در ذهنیت مردم. ذهن مردم، ایمان مردم، دل مردم، عواطف مردم و عشق مردم است که هدف دشمنان قرار دارد و نفوذ در اینها از طرق فرهنگی است. البته تصوّر می کنند که موفقیت یافته اند و گمان می کنند که پیشرفت کرده اند؛ لیکن خطا کرده اند؛ اشتباه کرده اند. ارکان نظام مستحکم است و مسؤولان نظام هم مراقبند و باید هم مراقب باشند. من الان - آقای وزیر ارشاد هم این جا هستند - بخصوص می گویم، باید مراقبت کنید و مراقبت شما باید یک مراقبت مضاعف باشد. از جنجالها و از متهم شدن به این که اینها ضدّ آزادیند، نترسید. شما حتی اگر بالاترین انواع آزادی را هم بدهید، اما اصولتان را حفظ کنید، باز هم خواهند گفت که شما ضدّ آزادی هستید! کمالین که الان در این منطقه، کشورهایی هستند که در همه تاریخ خودشان، روی یک مجلس ملی انتخاباتی را ندیده اند؛ آنها را متهم به نظام دیکتاتوری نمی کنند، ولی کشور ما را که در طول بیست سال عمرش، بیست تا انتخابات آزاد و انتخابات مردمی داشته، متهم می کنند! از دشمن که انتظاری نیست. برای خاطر حرف دشمن که انسان نمی تواند ممشای صحیح و منطقی و خردمندانه خودش را تغییر دهد. بنابراین، هیچ ملاحظه نکنید.

امروز سلطه گران در همه جای دنیا - هر جایی به تناسب - در فکر سلطه فرهنگیند؛ یک نمونه اش هم همین ماهواره است که حالا باز هم می بینم بحث ماهواره را مطرح کرده اند. این منطق درست نیست که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فناوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از حالا جلویش را باز کنیم! این منطق، منطق صحیحی نیست. آن کسی که این منطق را مطرح می کند، باید بگوید برای جلوگیری از آن، چه کار تازه ای باید کرد. این منطق و استدلال، این گونه باید نتیجه بدهد. البته دشمن فناوری را پیشرفته می کند. در مقابل، شما باید فکر کنید که با تطوّر و پیشرفت فناوری ماهواره، چه کارهایی را می توانید انجام دهید تا از نفوذ ماهواره جلوگیری کنید. اما این استدلال، که چون دشمن پیشرفت می کند، پس ما بیاییم هر مانعی را از جلو راهش برداریم، منطقی نیست. این مانع، علی العجالة مانع است. مثل این است که دشمن تا مرزهای ما پیش آمده، آن وقت بگوییم، ما که نمی توانیم بیشتر از دو ساعت مقاومت کنیم، پس برویم! نه آقا! این دو ساعت را مقاومت کنید، شاید پیروز شدید. این چه حرفی است؟! قانون ممنوعیت ماهواره - که مجلس شورایی اسلامی، چند سال قبل از این، آن را تصویب کرد - یک قانون کاملاً درست و بجا بود. حدّ اقلش این است شما توانسته اید چند سال این نفوذ را به عقب بیندازید و ان شاء الله باز هم خواهید توانست.

شما باید به موازات این کار، وسائل مصون سازی را فراهم کنید. جوانان را مصون کنید، ذهنها را مصون کنید، دلها را مصون کنید که اگر علی رغم شما، روزی دشمن توانست نفوذ کند، شما قبلاً مصونیت ایجاد کرده باشید. راهش این است؛ این گونه باید با هجوم دشمن برخورد کرد. ما با این روحیه مقاومت و با این روحیه ایستادگی، توانسته ایم قدرتی مثل استکبار جهانی و مثل امریکا را، بیست سال پشت در نگهداریم و باز هم می توانیم! ملت ایران قوی است

و این استقامت، استقامت ایمانی است. این استقامت، از دین، از اسلام و از ایمان سرچشمه می گیرد و هر جا که باشد، موجب ناکامی دشمن خواهد شد. این را ما باید حفظ و تقویت کنیم. ما باید دین را تقویت کنیم؛ ایمان جوانان را تقویت کنیم؛ اجتناب از فساد را تقویت کنیم. این کار، کار درستی است؛ این راه، راه صحیحی است و شما ناشران عزیز، در قبال این چیزها مسؤولیت دارید. البته شما جمع معدودی از ناشران کشور هستید که این جا جمع شده اید و خوشبختانه ما امروز شما را زیارت کردیم. بیشتر شما، یا همه شما هم کسانی هستید که علی القاعده، این حرفها را قبول دارید. حالا ممکن است بعضی هم قبول نداشته باشند؛ بالاخره این هم نظری است. هر کس که در کشور مسؤولیتی دارد، باید طبق نظر و ایمان اسلامی و احساس تکلیفی که می کند، قاطع و شجاعانه و قوی قدم بردارد. این وظیفه همه است. امیدواریم که هم شما، هم ما، هم دولت، هم مجلس و هم قوه قضاییه، وظایفمان را بدانیم و از این مسأله تأثیر بر روی ذهنها و ایمانها آسان نگذریم. این مسأله بسیار مهمی است؛ این مقطع بسیار حساسی است؛ این کار بسیار عظیمی است و نباید از آن به آسانی گذشت. این کار، از مبارزه با داروی فاسد و تاریخ منقضی شده و از مبارزه با پزشک قلبی خیلی مهمتر است. در هر جامعه ای، این نقطه اساسی است. ما دو ساعتی را با شما گذرانیم. از شما، از دوستانمان در وزارت ارشاد و از بقیه کسانی که این دیدار را ترتیب دادند و از خواهران محترمی که به این جا تشریف آوردند و از همه شما برادران تشکر می کنیم. ان شاءالله موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته